

ریشه‌یابی و گونه‌شناسی روایات مهدویت در صحیحین و مستدرک حاکم

عبدالرحیم رحیمی*

چکیده

اعتقاد به مهدویت از باورهای مشترک میان مسلمانان است؛ یکی از مهم‌ترین شبهات مطرح در مطالعات حدیثی آنکه در صحیحین، روایات روشنی درباره مهدویت وجود ندارد و این امر، دلیلی بر تردید در اصالت روایی این باور تلقی شده است. پژوهش حاضر با طرح این پرسش بنیادین که آیا فقدان یا تعداد کم روایات مهدویت در صحیحین، به معنای ضعف یا عدم اعتبار حدیثی این آموزه است، می‌کوشد این شبهه را با رویکردی حدیث‌پژوهانه بررسی کند. این مطالعه با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد گونه‌شناسی روایات و برپایه منابع کتابخانه‌ای، به بررسی روایات می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند در صحیحین، روایات مرتبط با مهدی به صورت محدود و غیرمستقیم مطرح شده‌اند، اما در مستدرک حاکم مجموعه‌ای گسترده و نظام‌مند از روایات وجود دارد که بسیاری از آنها از منظر مؤلف، واجد شرایط صحت براساس معیارهای صحیحین هستند. تحلیل گونه‌های روایی مستدرک حاکم نشان می‌دهد که طیف وسیعی از مؤلفه‌های مهدویت، از جمله نام و نسب امام مهدی، علایم و نشانه‌های ظهور، زمان و گستره قیام، رهبری جهانی، مدت حکومت، عدالت‌ورزی و تحولات اقتصادی عصر- ظهور را پوشش می‌دهند. نتیجه تحقیق آنکه شبهه مذکور، ناشی از محدودسازی بررسی به صحیحین و غفلت از منابع استدراکی معتبر همچون مستدرک حاکم است.

واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، روایات مهدویت، صحیح بخاری، صحیح مسلم، مستدرک

حاکم.

*. دانشیار (پوهنمئل) و عضو هیأت علمی دانشکده شرعیات دانشگاه بلخ- افغانستان
rahimi998877@gmail.com

مقدمه

مفهوم مهدویت و باور به ظهور مصلح آخرالزمان، از جمله آموزه‌هایی است که به‌طور گسترده در متون روایی اسلامی مطرح شده و در بخش قابل توجهی از منابع حدیثی اهل سنت بازتاب یافته است. با این حال چگونگی حضور این آموزه در معتبرترین منابع حدیثی، به‌ویژه صحیح بخاری و صحیح مسلم، به یکی از چالش‌های مهم در مطالعات معاصر حدیثی بدل شده است. این چالش زمانی برجسته‌تر می‌شود که برخی پژوهشگران، با استناد به فقدان یا قلت روایات صریح مهدویت در صحیحین، اعتبار روایی این باور را مورد تردید قرار داده و آن را به‌مثابه نشانه‌ای از ضعف حدیثی مهدویت تلقی می‌کنند.

در برابر این شبهه، بررسی گستره منابع حدیثی اهل سنت نشان می‌دهد که مسئله مهدویت در شمار زیادی از کتب روایی، از جمله صحاح، سنن، مسانید و معاجم، به‌طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌گونه‌ای که نام امام مهدی و اوصاف مرتبط با ایشان در حدود ۳۸ اثر حدیثی معتبر نقل شده است. از جمله این منابع می‌توان به سنن ابوداود، ترمذی، ابن‌ماجه، نسائی، مسند احمد، صحیح ابن‌حبان، مصنف ابن‌ابی‌شیبه، معاجم طبرانی (کبیر، صغیر و اوسط)، دارقطنی، بیهقی و دیلمی اشاره کرد. این گستردگی پرسشی بنیادین را پیش روی پژوهشگر قرار می‌دهد؛ چرا با وجود این حجم قابل توجه از روایات، در صحیحین تنها بازتاب محدودی از آموزه مهدویت دیده می‌شود؟

افزون بر منابع روایی، شماری از عالمان برجسته اهل سنت نیز با نگارش آثار مستقل در باب مهدویت، به تبیین و دفاع از این باور پرداخته‌اند. آثاری از ابوبکر بن خثیمه، حافظ ابونعیم، حافظ سخاوی، امام سیوطی، ابن‌کثیر، ابن‌حجر مکی، علی متقی هندی، ملاعلی قاری، مرعی بن یوسف حنبلی، شوکانی، صنعانی و برزنجی نشان‌دهنده آن است که مهدویت نه تنها یک باور عمومی، بلکه موضوعی قابل بحث و تحلیل در سنت علمی اهل سنت بوده است. در دوره معاصر نیز آثاری همچون الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحة الواردة فی المهدي اثر عبدالمحسن عباد و الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدي المنتظر اثر محمود بن عبدالله تویجری، به‌طور مستقیم در پاسخ به منکران و شبهه‌افکنان نگاشته شده‌اند.

با این وجود تمرکز شبهه‌پردازان بر صحیح بخاری و صحیح مسلم - به‌عنوان معتبرترین منابع حدیثی پس از قرآن - موجب شده است که سایر منابع هم‌سطح یا مکمل، به‌ویژه آثار استدراکی، در تحلیل مسئله نادیده گرفته شوند. در این میان مستدرک حاکم نیشابوری به‌عنوان اثری که با هدف گردآوری روایاتی مطابق با شرایط صحت بخاری و مسلم تدوین شده، جایگاهی کلیدی در بازخوانی این مسئله دارد. امام حاکم در این اثر به‌صراحت مدعی است که شماری از روایات واجد شرایط صحیحین، به دلایلی در آن دو کتاب نقل نشده‌اند و مستدرک در پی جبران آن است.

بر این اساس پژوهش حاضر با طرح این پرسش محوری سامان یافته است که آیا فقدان یا محدودیت روایات مهدویت در صحیحین به‌معنای ضعف حدیثی این آموزه است، یا می‌توان با بررسی منابع استدراکی همچون مستدرک حاکم، تصویری دقیق‌تر و جامع‌تر از جایگاه مهدویت در حدیث اهل سنت ارائه داد؟ فرضیه تحقیق بر آن است که اگرچه در صحیح بخاری و صحیح مسلم، روایات مهدویت به‌صورت محدود و غیرمستقیم بازتاب یافته‌اند، اما در مستدرک حاکم مجموعه‌ای گسترده، متنوع و قابل اعتنا از روایات مهدویت وجود دارد که براساس معیارهای خود مؤلف، واجد شرایط صحت بر مبنای صحیحین هستند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل انتقادی این شبهه و تبیین جایگاه واقعی روایات مهدویت در صحیحین و مستدرک حاکم از طریق رویکرد گونه‌شناسانه است. از این رهگذر مقاله می‌کوشد نشان دهد که تمرکز سطحی بر صحیحین در خصوص روایات مهدویت، بدون توجه به آثار مکمل و استدراکی، تصویری ناقص از مسئله مهدویت ارائه می‌کند و بررسی مستدرک حاکم می‌تواند در بازسازی چرخه روایی مهدویت و ارزیابی دقیق‌تر اعتبار حدیثی آن، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

۲. پیشینه تحقیق

شرح و تحلیل احادیث صحیح بخاری و صحیح مسلم، از دیرباز مورد توجه محدثان و فقهای اهل سنت بوده و آثار برجسته‌ای در این زمینه پدید آمده است. از جمله مهم‌ترین این شروح می‌توان به فتح‌الباری ابن حجر عسقلانی، عمدةالقاری اثر بدرالدین عینی، فیض‌الباری علی صحیح‌البخاری از انورشاه کشمیری، إرشادالساری قسطلانی، شرح صحیح

مسلم نووی و منة المنعم فی شرح صحیح مسلم مبارکفوری اشاره کرد. از این آثار با تمرکز بر تبیین معانی الفاظ، بررسی اجمالی اسناد و استخراج احکام فقهی و اعتقادی، نقش مهمی در فهم حدیث ایفا کرده‌اند؛ با این حال پرداختن به مسئله مهدویت در این شروح، غالباً پراکنده، غیرنظام‌مند و فاقد رویکرد تحلیلی مستقل بوده است. به‌ویژه آن‌که این شروح، مهدویت را نه به‌عنوان یک «مسئله چالش‌برانگیز حدیثی»، بلکه صرفاً در ذیل ابواب عمومی مربوط به فتنه‌ها، اشراط الساعة یا امارت مطرح کرده‌اند و از این‌رو، پرسش بنیادین درباره نسبت مهدویت با معیارهای صحت در صحیحین و چرایی قلت یا غیبت روایات صریح در این دو اثر در آن‌ها به‌صورت مستقل مورد واکاوی قرار نگرفته است. به بیان دیگر این آثار در مقام شرح متن حدیث موفق‌اند، اما در پاسخ‌گویی به شبهه معاصر فقدان مهدویت در صحیحین، چارچوب تحلیلی روش‌مندی ارائه نمی‌دهند.

در دوره معاصر، شماری از پژوهشگران اهل سنت به‌طور مستقیم به مسئله مهدویت و نقد دیدگاه منکران آن پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به اثر عبدالمحسن عباد با عنوان الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحة الواردة فی المهدي و کتاب الاحتجاج بالأثر علی من أنکر المهدي المنتظر نوشته محمود بن عبدالله تویجری اشاره کرد. این آثار، با رویکردی دفاعی و کلامی، به گردآوری و تصحیح روایات مهدویت و رد شبهات انکاری پرداخته‌اند؛ با این حال تمرکز اصلی آن‌ها بر اثبات اصل اعتقاد به مهدویت است و نه بررسی تطبیقی و گونه‌شناسانه روایات مهدویت در چارچوب منابعی چون صحیح بخاری، صحیح مسلم و مستدرک حاکم.

از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی مستقل و روشمند که به‌صورت هم‌زمان روایات مهدویت را در صحیحین واکاوی کند، نسبت قلت یا غیبت این روایات را با معیارهای حدیثی بخاری و مسلم تحلیل نماید و نقش مستدرک حاکم را به‌عنوان منبع استدراک و مکمل در بازسازی چرخه روایی مهدویت بررسی کند، انجام نگرفته است. به‌ویژه رویکرد گونه‌شناسی روایات - که امکان طبقه‌بندی نظام‌مند روایات براساس مؤلفه‌های محتوایی و کارکردی را فراهم می‌سازد - در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

بر این اساس پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد گونه‌شناسانه، به بررسی جامع و نظام‌مند روایات مهدویت در صحیح بخاری، صحیح مسلم و مستدرک حاکم بپردازد. تمرکز این مطالعه بر تحلیل هم‌زمان سند، متن و کارکرد روایات و طبقه‌بندی آن‌ها براساس مؤلفه‌هایی همچون نام و نسب امام مهدی، نشانه‌ها و علایم ظهور، زمان ظهور، رهبری جهانی، مدت حکومت و عدالت‌ورزی است. از این منظر، تحقیق حاضر در پی آن است که خلأ موجود در مطالعات پیشین را در پاسخ‌گویی علمی به شبهه فقدان روایات مهدویت در صحیحین جبران کند و تصویری دقیق‌تر از جایگاه این آموزه در میراث حدیثی اهل سنت ارائه دهد.

۳. عقیده اهل سنت به مهدویت

باور به ظهور امام مهدی به‌عنوان مصلح آخرالزمان، در اندیشه غالب اهل سنت و جماعت، ریشه در نصوص روایی دارد و براساس مجموعه‌ای از احادیث نبوی، به‌عنوان یکی از آموزه‌های پذیرفته‌شده در حوزه امور غیبی تلقی می‌شود. بسیاری از عالمان اهل سنت، این روایات را از حیث کثرت طرق و تنوع مصادر، در حد تواتر معنوی دانسته و بر این اساس، اعتقاد به مهدویت را بخشی از منظومه اعتقادی مسلمانان شمرده‌اند؛ امری که معرفت نسبت به آن، نه از راه عقل مستقل، بلکه صرفاً از طریق نصوص معتبر شرعی حاصل می‌شود (سفارینی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۶).

باین حال اجماع ادعاشده درباره مهدویت، در دوران معاصر با چالش‌هایی روبه‌رو شده است. شماری از نویسندگان و متفکران، از جمله رشید رضا، ابن‌عاشور و عبدالکریم خطیب، با تردید در اعتبار روایات مهدویت یا با محدود ساختن دایره حجیت آن‌ها، اصل این باور را مورد مناقشه قرار داده‌اند. وجه مشترک این دیدگاه‌ها، تأکید بر فقدان یا عدم صراحت روایات مهدویت در صحیح بخاری و صحیح مسلم و تلقی این امر به‌عنوان نشانه‌ای از عدم قطعیت حدیثی این آموزه است.

در برابر این رویکرد، بسیاری از محدثان و پژوهشگران اهل سنت بر این باورند که انکار مهدویت، نه حاصل بررسی جامع میراث حدیثی، بلکه نتیجه تمرکز گزینشی بر بخشی از منابع و غفلت از سایر مصادر معتبر است. به‌ویژه آن‌که روایات مهدویت، افزون بر سنن و

مسانید، در آثاری همچون مستدرک حاکم نقل شده‌اند که مؤلف آن‌ها را واجد شرایط صحت براساس معیارهای صحیحین می‌دانسته است. از این منظر، انکار مهدویت نه برپایه ردّ علمی اسناد، بلکه متأثر از پیش‌فرض‌هایی در باب روش تدوین صحیحین و نحوه مواجهه با احادیث مربوط به آینده و اشراف الساعه ارزیابی می‌شود (تویجری، ۱۴۰۳، ص ۱۲۱).

بر این اساس، مسئله اصلی در این بخش نه اصل وجود باور به مهدویت در میان اهل سنت، بلکه چگونگی استناد حدیثی این باور و حدود اعتبار روایات آن در منابع درجه اول حدیثی است. این چالش، زمینه‌ساز پرسشی بنیادین در مطالعات حدیثی می‌شود: آیا عدم تصریح گسترده به مهدویت در صحیحین می‌تواند مستند علمی برای انکار این آموزه باشد یا آن‌که با بررسی منابع مکمل و استدراکی، می‌توان به درک دقیق‌تری از جایگاه مهدویت در سنت حدیثی اهل سنت دست یافت؟

پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن این منازعه درون‌سنتی، می‌کوشد نشان دهد که مسئله مهدویت، نه تنها در چارچوب باور اعتقادی اهل سنت قابل دفاع است، بلکه از منظر حدیث‌پژوهی نیز با اتکا به مجموعه‌ای متنوع از روایات معتبر، از پشتوانه‌ای استوار برخوردار است؛ پشتوانه‌ای که تنها با نگاهی جامع به منابع حدیثی، به‌ویژه مستدرک حاکم، به‌درستی قابل ارزیابی است.

۴. درجه روایات مهدویت

در میان احادیث مربوط به مبعوث شدن و حقیقت امام مهدی، روایات با درجات مختلفی همچون صحیح، حسن، عزیز، ضعیف و اخبار موضوعه وجود دارد (ابن‌قیم جوزی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۸). شماری از محدثان بر این باورند که برخی احادیث مربوط به مهدویت متواتر و مستفیض است. علامه ابوالحسن آبری می‌نویسد که اخبار مربوط به امام مهدی، متواتر و مستفیض می‌باشند (آبری، ۱۴۳۰، ص ۹۸). برزنجی (العباد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱)، سفارینی (سفارینی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۲)، قنوجی (العباد، ۱۳۸۸، ص ۱۳۲) و کحلانی (کحلانی، ۱۴۳۲، ج ۱۰، ص ۴۹۴) روایات مهدویت را متواتر معنوی دانسته‌اند. کتانی نیز تصریح می‌کند که احادیث وارده در مورد مهدی موعود متواتر است (کتانی، بی‌تا، ص ۲۲۹).

شوکانی با بررسی پنجاه حدیث در مورد امام مهدی، که شامل احادیث صحیح، حسن و

ضعیف بوده‌اند، معتقد است که این مجموعه را می‌توان متواتر دانست. او تصریح می‌کند که مطابق اصطلاحات اصول حدیث، هیچ شبهه‌ای در صدق اوصاف متواتر بر آن‌ها وارد نیست و اخبار وارده از صحابه بی‌شمار، در آن‌ها به صراحت بیان شده است. به عبارت دیگر این روایات همه حکم حدیث مرفوع را دارند و در این زمینه مجال اجتهاد وجود ندارد (العباد، ۱۳۸۸، ص ۳۲۱). اکثر دانشمندان اهل سنت، قریب به اتفاق، احادیث مهدویت را تأیید و معتبر دانسته و آن‌ها را حجت می‌دانند.

در مقابل برخی از محققان مانند ابن‌خلدون احادیث مهدویت را براساس چند پیش‌فرض واهی تضعیف کرده و در مورد بعثت امام مهدی تردید داشته‌اند (ابن‌خلدون، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۱). همچنین افرادی مانند رشید رضا با استناد به تکلم بر رجال سند و ادعای تعارض بین روایات تلاش کرده‌اند اعتبار احادیث مهدویت را زیر سؤال ببرند و منکر مهدویت شوند. این دیدگاه‌ها از نظر علمی قابل قبول نیست، زیرا تکلم بر رجال که توسط اصحاب جرح و تعدیل توثیق شده، نشان‌دهنده مردود بودن آن سخن نیست و همچنین در روایات مهدویت تعارضی وجود ندارد. انکار واقعیت دینی به دلیل سوءاستفاده احتمالی از آن، اشتباه بزرگی است؛ همان‌گونه که انکار الوهیت کسی که مدعی آن شود، جایز نیست، بلکه باید عقیده او اصلاح شود.

شیخ صدیق حسن نیز بیان می‌کند که هیچ شک و تردیدی در مورد مهدی موعود منتظر باقی نمی‌ماند، زیرا نصوص مستفیض و مشهور به حد تواتر رسیده‌اند و انکار آن، جرئت بزرگی محسوب می‌شود (العباد، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳).

در نتیجه پژوهش حاضر صرفاً به روایاتی می‌پردازد که در صحیح بخاری، صحیح مسلم و مستدرک حاکم نقل شده‌اند؛ باین‌حال روایات سایر منابع نیز برای نقد، بررسی و تحلیل تکمیلی مورد استفاده قرار گرفته است.

۵. ابعاد موضوعی و محتوایی روایات مهدویت در صحیحین و مستدرک

برای تحلیل جامع روایات مهدویت، هر یک از ابعاد موضوعی به‌طور مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد تا فهم دقیق و مستدل از محتوای روایات فراهم شود.

۱.۷/۵. نسب امام مهدی

در صحیح بخاری و صحیح مسلم به طور مستقیم روایتی درباره نسل و نسب امام مهدی نقل نشده است. این امر موجب شده برخی منتقدان براساس فقدان چنین روایاتی، نسبت به مسئله مهدویت تردید کنند؛ با این حال بررسی مستدرک حاکم نشان می‌دهد که این کتاب به عنوان تکمیل‌کننده صحیحین، روایات متعددی در این زمینه نقل کرده است که همسویی مستقیمی با منابع دیگر دارد و خلأهای موجود در صحیحین را پر می‌کند.

امام حاکم از ام سلمه روایت می‌کند که پیامبر اکرم فرمود: «مهدی از نسل فاطمه خواهد بود» (نیسابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۶۰۱). در روایت دیگری آمده است: «مهدی حق است و از فرزندان فاطمه خواهد بود» (همان، ج ۴، ص ۶۰۰). این روایات همچنین توسط ابوداود نقل شده است (سجستانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۴۱) و نشان می‌دهد که مستدرک حاکم، با رعایت شرایط صحیح بخاری و صحیح مسلم، منابع روایی معتبر را برای اثبات نسب امام مهدی گردآوری کرده است.

علاوه بر این پیامبر در روایتی دیگر، مهدی را از اهل بیت خود معرفی می‌کند (نیسابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۴۸۸ و ۵۱۱). این حدیث توسط محدثان دیگری نیز نقل شده است، از جمله ترمذی (۱۳۹۵ ق، ج ۴، ص ۵۰۵)، طبرانی (۱۴۱۵ ق، ج ۱۰)، ابن عساکر (۱۴۱۵ ق، ج ۱۹، ص ۴۷۵؛ ج ۴۲، ص ۱۳۰)، سیوطی (بی‌تا، ص ۸۶، ص ۱۳۶) و مناوی (۱۳۵۶ ق، ج ۶، ص ۲۷۸).

این تحلیل نشان می‌دهد که مستدرک ضمن رعایت شرایط صحیحین، به عنوان مرجعی مکمل صحیحین، روایات معتبر و مستدل را در زمینه نسب و نسل امام مهدی ارائه کرده و امکان بررسی جامع و گونه‌شناسی روایات مهدویت را فراهم می‌سازد.

۲.۷/۵. نام و نام پدر امام مهدی

در صحیح بخاری و صحیح مسلم، روایتی که به طور مستقیم نام و نام پدر امام مهدی را مشخص کند وارد نشده است، که این امر باعث شده برخی منتقدان، براساس فقدان این اطلاعات در منابع اصلی، نسبت به اثبات هویت امام مهدی تردید کنند. با این حال مستدرک حاکم به عنوان تکمیل‌کننده صحیحین، روایاتی معتبر در این زمینه ارائه کرده است که هویت امام مهدی را روشن می‌سازد و خلأ موجود را پر می‌کند.

براساس روایتی از ابن مسعود، پیامبر اکرم فرمودند: «اسم مهدی مطابق با اسم من و اسم پدرش مطابق با اسم پدرم خواهد بود» (نیسابوری، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۴۸۸). این روایت نشان می‌دهد که امام مهدی، هم از لحاظ اسم و هم نسب پدری، همسویی مستقیم با پیامبر دارد و این امر اهمیت ویژه‌ای در تثبیت مشروعیت و هویت او دارد. این روایت و مشابه آن در منابع دیگر نیز نقل شده است، از جمله: ابوداود (سجستانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۳۷)، ابن حبان (۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۲۳۷)، طبرانی (۱۴۱۵، ق، ج ۱۰، ص ۱۳۳) و سیوطی (بی‌تا، ج ۲۲، ص ۲۰۱). جمع‌بندی این منابع نشان می‌دهد که مستدرک حاکم با رعایت شرایط صحیحین، اطلاعات تکمیلی و مستدل درباره نام و نسب امام مهدی ارائه کرده و امکان تحلیل دقیق‌تر و گونه‌شناسی روایات مهدویت را فراهم ساخته است.

۳/۵. رمزگشایی پیامبر برای شناسایی مهدی واقعی

یکی از ابعاد کلیدی گونه‌شناسی روایات مهدویت، بررسی شاخصه‌ها و ویژگی‌های امام مهدی است که پیامبر اکرم برای شناسایی وی از مدعیان دروغین ارائه کرده‌اند. مستدرک حاکم، با هدف تکمیل صحیح بخاری و صحیح مسلم، روایات متعددی در این زمینه نقل کرده است که از لحاظ اعتبار سند و محتوای متنی، واجد ارزش علمی بالایی و هم‌سنگ روایات صحیحین هستند و امکان تحلیل مستدل موضوع مهدویت را فراهم می‌آورند. به‌عنوان نمونه روایت ابوسعید خدری بیان می‌کند که پیامبر اکرم فرمود: «مهدی از اهل بیت من است، بینی بلند و پیشانی روشن دارد، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که پیش از او پر از جور و ستم شده بود» و با اشاره به طول عمر وی، دست چپ و دو انگشت دست راست را باز کرده و علامتی نشان داد (نیسابوری، ۱۴۱۱، ق، ج ۴، ص ۶۰۰). این روایت علاوه بر بیان ویژگی‌های ظاهری، نشانه‌ای عملی برای شناسایی مهدی واقعی ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که پیامبر برای تمییز میان مهدی حقیقی و مدعیان دروغین، شاخصه‌های قابل مشاهده و مشخصی تعیین کرده است. امام حاکم تأکید می‌کند که این حدیث براساس شرایط صحیح مسلم است و از لحاظ سند، با معیارهای مسلم تطابق دارد، هرچند خود امام مسلم آن را نقل نکرده است.

علاوه بر ویژگی‌های ظاهری، روایات دیگری به شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری امام

مهدی اشاره دارند. طبرانی بر اخلاق نیکوی او تأکید کرده است (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۱۳۶) و ابن حبان نیز اخلاق او را مشابه اخلاق پیامبر معرفی کرده است (ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۲۳۷). این روایات علاوه بر تعیین معیارهای رفتاری، زمینه شناخت صحیح مهدی را از نظر منش و سیره اخلاقی فراهم می‌آورند.

تحلیل علمی این روایات نشان می‌دهد که پیامبر، با تعیین شاخصه‌های بدنی و اخلاقی، دو هدف کلیدی را دنبال کرده است؛ نخست جلوگیری از انحراف عقیدتی و پیروی از مهدیان دروغین و دوم تسهیل شناخت مهدی واقعی و امکان بیعت و پیروی مسلمانان پس از شناسایی او.

از منظر علمی این روایات نشان می‌دهد که فهم دقیق مهدویت نیازمند بررسی چندجانبه است؛ شاخصه‌های ظاهری، ویژگی‌های اخلاقی و رفتار اجتماعی امام مهدی، همگی در کنار یکدیگر، مبنای شناسایی و پیروی از مهدی حقیقی را شکل می‌دهند. این تحلیل عمیق اهمیت مستدرک حاکم را در پژوهش‌های مهدویت برجسته می‌سازد و امکان ارائه تصویری مستدل و علمی از موضوع مهدویت را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که بتوان خلأهای منابع اصلی را تکمیل و جایگاه روایات تکمیلی را به‌وضوح نشان داد.

۴/۵. تاریخ ظهور امام مهدی

یکی از ابعاد کلیدی روایات مهدویت، مسئله زمان ظهور امام مهدی است. اکثریت اهل سنت بر این باورند که تاکنون امام مهدی ظهور نکرده و در آینده، پیش از قیامت و در زمان مناسب، قیام خواهد کرد. با این حال هیچ‌یک از منابع معتبر روایی اهل سنت، از جمله صحیح بخاری و صحیح مسلم، زمان دقیق خروج او را مشخص نکرده‌اند و تنها به نشانه‌های کلی و نسبت‌های زمانی اشاره شده است که عمدتاً با وقایع آخرالزمان مرتبط است.

براساس روایات موجود ظهور امام مهدی نزدیک به قیامت و نزول عیسی مسیح رخ می‌دهد که خود یکی از علامات مهم قیامت است. به‌عنوان نمونه روایت ابوهریره در بخاری و مسلم چنین می‌گوید: «چگونه خواهید بود آنگاه که فرزند مریم در میان شما نازل شود و امام شما (امام مهدی) از خودتان باشد» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۶۸؛ نیسابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۳). همچنین در صحیح مسلم آمده: «فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ، فَيَقُولُ

أَمِيرُهُمْ: تَعَالَ صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أُمَرَاءُ تَكْرِمَةً لِلَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةُ؛ پس عیسی بن مریم نازل می‌شود، فرمانروای مردم می‌گوید: بیا برای ما نماز بخوان، اما او می‌گوید: نه، برخی از شما بر برخی دیگر حکمران هستند، این یک افتخاری است که خدا به این امت داده است» (نیسابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۷). این روایت اشاره‌ای ضمنی به هم‌زمانی ظهور امام مهدی با نزول عیسی دارد.

این موضوع در منابع دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ به‌طوری که امام احمدبن حنبل (۱۴۱۶ ق، ج ۸، ص ۳۱۲)، طبرانی (بی‌تا، ج ۹، ص ۸۶)، ابن حبان (۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۲۱۳ و ۲۳۶)، اسفراینی (۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۹۹)، ابونعیم اصبهانی (۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۲۲۰)، ابن منده (۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۱۵) و بغوی (۱۴۰۳ ق، ج ۱۵، ص ۸۲) همگی این نسبت زمانی را نقل کرده‌اند. هیثمی نیز در تأیید اعتبار این روایات، کلیه راویان آن را قابل اعتماد دانسته است (هیثمی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۱۴).

این مجموعه روایات نشان می‌دهد که موضوع زمان ظهور امام مهدی عمدتاً به‌صورت تدریجی و نسبی بیان شده و هدف پیامبر ارائه نشانه‌های کلی و معیارهای شناسایی صحیح او در قیام نهایی است، نه تعیین یک تاریخ مشخص.

۵/۵. امامت جهانی امام مهدی

امام بخاری روایتی را از ابوهریره نقل می‌کند پیامبر فرمود: «چگونه خواهید بود آنگاه که فرزند مریم در بین شما نازل شود و امام شما از خودتان باشد؟» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۱۶۸؛ مسلم، ج ۲، ص ۱۹۳). واژه «امام» به‌معنای پیشوا، رهبر، راهنما و مرجع است که مسلمانان در امور دینی و دنیوی به او اتباع می‌کنند (کورانی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۱، ص ۱۳۷) و واژه «منکم»، مشخص می‌کند که امام شما، از جمله شما مسلمانان خواهد بود. اما مصداق این امام کیست؟ شارحان بخاری و مسلم مصداق آن را امام مهدی دانسته‌اند (ابن حجر، ۱۳۷۹ ق، ج ۶، ص ۴۹۴؛ قسطلانی، ۱۳۲۳ ق، ج ۵، ص ۴۱۹؛ هروری شافعی، ۱۴۳۰ ق، ج ۴، ص ۱۰۴؛ کشمیری، ۱۴۲۶ ق، ج ۴، ص ۴۰۴؛ حمزه، ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۲۱۰؛ مبارکفوری، ۱۴۲۰ ق، ج ۱، ص ۱۳۶). برخی از شارحان بخاری برای تعیین این مصداق به امام مهدی، به روایت ابن‌ماجه استدلال جسته می‌گویند که روایت ابن‌ماجه به‌گونه صریح بیان می‌دارد که

مصدق امام در این روایت، امام مهدی است (کشمیری، ۱۴۲۶ ق، ج ۴، ص ۴۰۷).
 از نظر محتوایی این روایت از امامت کبرا و رهبریت جهانی امام مهدی خبر می‌دهد که در قرب قیامت اتفاق خواهد افتاد، نه امامت در نماز؛ زیرا همین حدیث در صحیح مسلم از طریق ابوهیره، افزون بر متن روایت فوق، به دو گونه دیگر نیز روایت شده است: (۱) «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ وَأَمَّكُمْ» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳۵)، (۲): «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ فِيكُمْ ابْنُ مَرْيَمَ فَأَمَّكُمْ مِنْكُمْ» (همان) به نظر می‌رسد که برخی از راویان صحیح مسلم دچار اشتباه شده‌اند؛ بدین‌گونه که اصل عبارت این‌گونه بوده که متعلق به امامت کبرا (رهبریت جهانی) است: «... وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ» ولی برخی راویان آن را با متن این روایت: «إِذَا أُفِيَمَتِ الصَّلَاةُ فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَأَمَّهُمْ» (همان، ج ۴، ص ۲۲۲۱) خلط کرده، روایت را این‌گونه «... فِيكُمْ وَأَمَّكُمْ» نقل کرده‌اند و برخی‌ها واژه «مِنْكُمْ» نیز اضافه کرده‌اند. درحالی‌که روایت این دو روایت از هم جدا بوده که اولی متعلق به امامت کبرا و دوم به امامت صغری (نماز) می‌باشد (المیرتهی، ۱۴۲۶ ق، ج ۴، ص ۴۰۶). افزون بر آن، محتوا و چینش واژگان نشان می‌دهد که منظور از امامت در روایت مورد بحث، امامت کبری است؛ زیرا پیامبر اکرم از یک حالت تعجب‌ناک سخن می‌گوید و آن این‌که صحنه چگونه خواهد بود که یک پیامبر اولوالعزم الهی به زمین بازگردد، درحالی‌که رهبریت جهانی دست کس دیگری (امام مهدی) باشد و از وی پیروی کند.

۶/۵. عدالت‌محوری در حکمرانی امام مهدی

امام حاکم روایات متعددی را نقل می‌کند که حاکم از ویژگی‌های بارز و مهم حکمرانی امام مهدی است. از جمله، پیامبر می‌فرماید: «قیامت برپا نمی‌شود تا زمین پر از ستم و جور و تجاوز نشود، سپس از اهل‌بیت من کسی بیرون می‌آید که زمین را پر از عدل و دادگستری می‌کند، همان‌طور که پر از ستم و تجاوز شده بود». نیشابوری می‌گوید این حدیث صحیح است بر شرط شیخین و آن‌ها آن را نیاورده‌اند (نیشابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۶۰۰).

در روایت دیگری آمده است که پیامبر فرمود: «مهدی از ما اهل‌بیت است. زمین را پر از عدل و دادگستری می‌کند، همان‌طور که پر از جور و ستم شده بود (همان). در روایت دیگری آمده: «روزها و شب‌ها نمی‌گذرند تا مردی از اهل‌بیت من حکومت کند... زمین را پر از عدل و

دادگستری می‌کند، همان‌طور که پر از جور و ستم شده بود» (همان، ج ۴، ص ۴۸).
 در روایت دیگری وارد شده: «خداوند برای من و اهل‌بیتم، آخرت را بر دنیا برگزیده است... مردی از اهل‌بیت من که نامش همان نام من است و نام پدرش همان نام پدر من است، زمین را حکومت می‌کند و آن را پر از عدل و دادگستری می‌کند، همان‌طور که پر از جور و ستم شده بود» (همان، ج ۴، ص ۵۱۱).

حاکم ابو‌عبدالله نيسابوری روایت دیگری را این‌چنین نقل می‌کند: پیامبر خدا فرمود: «به امت من در آخر زمان بلاهای شدیدی از سلطان‌شان فرود می‌آید که بلاهای شدیدتر از آن شنیده نشده است، تا زمین برای آن‌ها تنگ شود و تا زمین پر از جور و ستم شود، مؤمنی پناهگاهی نمی‌یابد که به آن از ستم پناه ببرد، پس خداوند عزوجل مردی از عترت من را برانگیزاند، زمین را پر از عدل و دادگستری می‌کند، همان‌طور که پر از ستم و جور شده بود، ساکن آسمان و ساکن زمین از او راضی خواهند بود، زمین از بذرش چیزی را نپسندیده نگاه نمی‌دارد، مگر آن را بیرون می‌آورد و آسمان از قطره‌اش چیزی را نپسندیده نگاه نمی‌دارد، مگر آن را بر آن‌ها فراوان می‌ریزد، در آن زمان هفت یا هشت یا نه سال زندگی می‌کند، زندگان آرزو می‌کنند که ای کاش مردگان از آنچه خداوند عزوجل با اهل زمین از خیرش عطا کرده است، بهره می‌بردند». امام حاکم می‌گوید که اسناد این حدیث صحیح است، ولی بخاری و مسلم نیاورده‌اند (همان، ج ۴، ص ۵۱۲).

در روایت دیگری آمده: «اما مهدی که زمین را پر از عدل و دادگستری می‌کند، همان‌طور که پر از جور و ستم شده بود و بهایم و سباع از او امن می‌شوند» (همان، ج ۴، ص ۵۵۹).

از مجموع این روایات به‌دست می‌آید که امام مهدی، از نسل خاندان پاک و مطهر پیامبر است که خداوند متعال او را برای پایان دادن به ظلم و جور و برقراری قسط و عدل در زمین مقدر کرده است. او زمین را از هرگونه ستم و تبعیض پاک خواهد ساخت و به مردم حقوق و آزادی‌هایشان را بازخواهد گرداند. او با کمک خداوند و یاران صالح و مخلص خود، نظام جهانی اسلامی را برپا خواهد کرد که در آن همه موجودات زنده از امنیت و سلامتی برخوردار خواهند بود.

عدالت‌محوری در دوره حکمرانی امام مهدی به معنای اجرای دادگستری عادلانه، توزیع منصفانه منابع و ثروت، احترام به حقوق شهروندی و بشری، تساوی فرصت‌ها و امکانات، حمایت از ضعیفان و مستضعفان، مبارزه با فساد و اختلاس، ترویج فضیلت و اخلاق اسلامی و مقابله با فحشا و منکر است. این عدالت‌محوری نه تنها در میان انسان‌ها، بلکه در میان تمام مخلوقات خداوند اعم از حیوانات، گیاهان و معادن برقرار خواهد شد. زمین به فرمان الهی و برکت امام مهدی همه نعمت‌هایش را برای مردم جهت بهره‌برداری آزاد خواهد کرد و آسمان هم باران رحمت خود را بر آنان خواهد ریخت. در چنین دورانی، مردم از خوشبختی و سعادت بی‌نظیری برخوردار خواهند شد و آرزوی زنده بودن مردگان را خواهد کرد.

۷/۵. مدت حکمرانی جهانی امام مهدی

امام حاکم نیسابوری در مورد مدت حکمرانی امام مهدی روایات متفاوتی را نقل کرده است. در یک روایت، نقل شده که پیامبر با دست خود اشاره کرد که سه سال حکمرانی می‌کند (نیسابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۶۰۰). امام حاکم اعتبار این روایت را به شرط مسلم دانسته است (همان). در روایت دیگری حکومت امام مهدی را هفت یا نه سال گفته شده است (همان، ج ۴، ص ۶۰۱). حاکم نیسابوری سند این روایت را صحیح می‌داند و امام ذهبی در «تعلیق من تلخیص» نیز آن را حدیث «صحیح‌الاسناد» می‌خواند (همان). نیسابوری در یک روایتی دیگر، مدت حکمرانی امام مهدی را هفت، یا هشت، یا نه سال نقل می‌کند و این روایت را نیز «صحیح‌الاسناد» می‌گوید که بخاری و مسلم نقل نکرده‌اند (همان، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۵۱۲). محدثان دیگری نیز روایاتی را در مورد مدت حکمرانی امام مهدی نقل می‌کنند. امام ابن‌حبان در روایتی از ابوسعید حذری که از پیامبر نقل می‌کند، مدت حکمرانی امام مهدی را هفت سال می‌گوید (ابن‌حبان، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۲۳۸). ترمذی در یک روایت، پنج، یا هفت یا نه سال را نقل می‌کند (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۵۰۶). امام ترمذی این شک را از یکی از راویان این حدیث که به نام زید است، می‌داند که در بین پنج، هفت و نه در حالت شک قرار گرفته است (همان). امام ابوداود نقل کرده است و در آن لفظ «فَيَلْبَثُ سَبْعَ سِنِينَ» وجود دارد (سجستانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۰۷).

به نظر می‌رسد که در برخی این احادیث، راویان دچار شک و تردید شده‌اند و مجبور شده‌اند که با حرف «او» تشکیک نقل کنند. آنچه از مطالعه مجموع این روایات به دست می‌آید، همان روایت هفت سال صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا روایتی که در آن سه سال نقل شده، راوی از زبان پیامبر نشنیده، بلکه مطابق فهم خود از اشاره دست پیامبر نقل می‌کند؛ در سایر روایات هفت سال وجود دارد و حتی در روایت ابوسعید خدری که ابن‌حبان نقل می‌کند و روایت امام ابوداود، فقط هفت سال را قید می‌زنند؛ بنابراین روایتی که در آن جزم و یقین وجود دارد، از روایتی که در آن با حرف تشکیک نقل می‌شود مقدم‌تر است؛ درحالی‌که در همه روایات تشکیکی نیز واژه «هفت سال» نیز وجود دارد (مبارکفوری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۰۴؛ ملاعلی القاری، ۱۴۲۲ ق، ج ۸، ص ۳۴۴۰).

۸/۵. پیشرفت و توسعه اقتصادی در دوره حکمرانی امام مهدی

امام مسلم روایتی را از جابر بن عبدالله نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «در امت من خلیفه‌ای خواهد آمد که با دست‌هایش مال را جارو می‌کند و نمی‌شمارد» (نیسابوری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۲۳۴-۲۲۳۵). هروی شافعی شارح مسلم می‌گوید که منظور از خلیفه، امام مهدی است (هروی شافعی، ۱۴۳۰ ق، ج ۲۶، ص ۱۷۳). امام حاکم نیسابوری روایتی را از ابوسعید خدری نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «مهدی در امت من خواهد بود... در زمان حکومت او، امت من نعمتی را تجربه خواهد کرد که هرگز چنین نعمتی را تجربه نکرده‌اند. زمین محصولات خود را به آن‌ها خواهد داد و هیچ چیزی را از آن‌ها پنهان نخواهد کرد. در آن روز، مال بهتر خواهد بود. مردی برخاسته و می‌گوید: ای مهدی به من بده و مهدی می‌گوید: بگیر». حاکم نیسابوری در ادامه تأکید می‌ورزد که من در نقل روایات چنینی آنچه با کتابش سازگاری داشته، نقل کرده درحالی‌که بخاری و مسلم آن‌ها را روایت نکرده‌اند (نیسابوری، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۶۰۱). امام حاکم در روایتی دیگری ابوسعید خدری بیان می‌دارد: «در آخر امت من مهدی خواهد آمد که خداوند باران را بر او فرومی‌فرستد و زمین گیاهان خود را بیرون می‌دهد و او مال را عادلانه تقسیم می‌کند و دام‌ها زیاد می‌شوند و امت بزرگ می‌گردد» (همان). حاکم روایتی دیگری به نقل از ابن‌عباس می‌گوید که در دوره حکمرانی مهدی ستون‌هایی از طلا و نقره ظاهر می‌گردد (همان، ج ۴، ص ۵۵۹). طبرانی در یک روایتی نقل

می‌کند که پیامبر فرمود: «در آخرالزمان در میان امت من مهدی خروج می‌کند خداوند به واسطه او باران می‌بارد و زمین گیاهان خودش را بیرون می‌دهد، مال به بنده عطا می‌شود و حیوانات اهلی زیاد می‌شود و امت عزیز می‌شود و او هفت یا هشت سال حکومت می‌کند» (طبرانی، ۱۴۱۵، ق، ج ۱۸، ص ۵۸). در روایت حارثة بن وهب آمده است که پیامبر فرمود: «صدقه بدهید؛ زمانی خواهد رسید که مردی صدقه خود را می‌گرداند و کسی را پیدا نمی‌کند که قبول نماید، می‌گوید اگر قبلاً می‌آوردی می‌پذیرفتم و الان حاجت ندارد». ملاعلی قاری می‌گوید که این زمان ظهور امام مهدی خواهد بود و یا نزول حضرت عیسی (ملاعلی القاری، ۱۴۲۲، ق، ج ۴، ص ۱۳۲۱).

از مجموع این روایات برمی‌آید که اقتصاد مسلمانان در دوره حکمرانی امام مهدی، بسیار توسعه می‌یابد، منابع اقتصادی به‌گونه فزاینده، در تولید و رشد اقتصادی کمک می‌کند و در این دوره، حکومت اسلامی اوج قدرت اقتصادی خود را تجربه خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر گونه‌شناسی روایات مهدویت در صحیح بخاری، صحیح مسلم و مستدرک حاکم، در پی پاسخ‌گویی به یکی از مهم‌ترین شبهات معاصر حدیثی، یعنی ادعای فقدان یا ضعف جایگاه مهدویت در منابع معتبر اهل سنت، سامان یافته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این شبهه، بیش از آن‌که مبتنی بر بررسی جامع میراث حدیثی باشد، حاصل تمرکز محدود و سطحی بر صحیحین در خصوص مهدویت و غفلت از منابع استدراکی و مکمل است.

بررسی تطبیقی روایات نشان داد که اگرچه در صحیح بخاری و صحیح مسلم، روایات مرتبط با مهدویت از حیث تصریح به شخص امام مهدی محدود و عمدتاً غیرمستقیم‌اند، اما این امر به معنای نفی یا تضعیف اصل آموزه مهدویت نیست. در مقابل، مستدرک حاکم - که مؤلف آن با التزام به معیارهای صحت بخاری و مسلم تدوین کرده است - مجموعه‌ای گسترده، منسجم و متنوع از روایات مهدویت را دربردارد که به‌طور معناداری شبهه مذکور را بی‌اساس ثابت می‌سازد.

تحلیل محتوایی و گونه‌شناسانه روایات نشان داد که مؤلفه‌های اساسی مهدویت، از

جمله نسب و تبار امام مهدی، نام و ویژگی‌های هویتی، شاخصه‌های مهدی موعود، نشانه‌ها و علایم ظهور، جایگاه امامت و رهبری جهانی، عدالت‌محوری در ساختار حکمرانی، مدت حکومت و تحولات اجتماعی-اقتصادی عصر- ظهور، در صحیحین غالباً به صورت اجمالی و اشاره‌ای مطرح شده‌اند، درحالی‌که در مستدرک حاکم به صورت تفصیلی، روشن و صریح گزارش شده‌اند. بر این اساس روایات مهدویت را می‌توان به دو گونه اصلی «روایات تصریحی» و «روایات اشاره‌ای» تقسیم کرد؛ گونه‌ای که روایات تصریحی آن عمدتاً در مستدرک حاکم متمرکز است و روایات اشاره‌ای آن در صحیحین بازتاب یافته است.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم تصریح گسترده به مهدویت در صحیحین، نه ناشی از تردید در اصل این آموزه، بلکه متأثر از روش خاص تدوین، معیارهای گزینش حدیث و رویکرد بخاری و مسلم در نقل احادیث مرتبط با آینده و امور غیبی است. از این رو استناد سطحی به احادیث مهدویت در صحیحین به عنوان دلیل انکار مهدویت، فاقد پشتوانه روشمند حدیثی بوده و تنها با نگاهی جامع به منابع درجه اول و مکمل حدیثی قابل داوری است.

در نهایت پژوهش حاضر با تثبیت جایگاه مستدرک حاکم به عنوان حلقه‌ای تکمیلی در چرخه روایی صحیحین، نشان می‌دهد که مسئله مهدویت در سنت حدیثی اهل سنت، نه تنها از حیث اعتقادی، بلکه از منظر حدیث‌پژوهی نیز از پشتوانه‌ای قابل اعتنا برخوردار است. بدین سان مطالعه حاضر ضمن نقد علمی دیدگاه‌های انکاری، افق تازه‌ای برای بازخوانی منصفانه و جامع آموزه مهدویت در منابع معتبر اهل سنت فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

١. آبري، محمدبن الحسين، مناقب الامام الشافعي، محقق جمال عزون، عمان: الدار الاثرية، ١٤٣٠ ق.
٢. ابن حبان، محمدبن حبان بن احمد، الاحسان في تقريب صحيح ابن حبان، محقق شعيب الارنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ ق.
٣. ابن حجر، احمد بن علي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٧٩ ق.
٤. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، عمان: موقع وراق، بى تا.
٥. ابن عساکر، علي بن الحسين، تاريخ دمشق، محقق: عمرو بن غرامة، بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ ق.
٦. ابن قيم، محمد بن ابى بكر، المنار المنيفة فى الصحيح والضعيف، محقق عبدالفتاح ابو غدة، حلب: مكتبة المطبوعات الاسلامية، ١٣٩٠ ق.
٧. ابن منده، محمد بن اسحاق، الايمان، تحقيق علي الفقيهي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ ق.
٨. ابونعيم الاصبهاني، المسند المستخرج علي صحيح مسلم، بيروت: الكتب العلمية، ١٤١٧ ق.
٩. الإسفرائيني، يعقوب بن اسحاق، مستخرج ابي عوانة، بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٩ ق.
١٠. ابن حنبل، احمد، مسند الإمام احمد بن حنبل، تحقيق احمد محمد شاكر، القاهرة: دار الحديث، ١٤١٦ ق.
١١. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح البخارى، تحقيق محمد زهير، بيروت: دار طوق النجاة، ١٤٢٢ ق.
١٢. بغوي، حسين بن مسعود، شرح السنة، تحقيق شعيب الأرناؤوط، بيروت: المكتب الإسلامي، ١٤٠٣ ق.

١٣. ترمذی، محمد بن عيسى، سنن ترمذی، محقق محمد فؤاد عبدالباقي، مصر: مطبعة مصطفى البابي، ١٣٩٥ ق
١٤. تويجری، حمود بن عبدالله، الاحتجاج بالأثر على من أنكر المهدي المنتظر، رياض: الرئاسة العامة لارادات البحوث العلميه، ١٤٠٣ ق.
١٥. سجستاني، سليمان بن الأشعث، سنن ابي داود، محقق محمد محيي الدين، بيروت: المكتبة العصرية صيدا، بی تا.
١٦. حمزه، محمد قاسم، منار القاري شرح مختصر - صحيح البخاري، دمشق: مكتبة دار البيان، ١٤١٠ ق.
١٧. سفاريني، شمس الدين بن احمد، لوامع الأنوار البهية و سواطع الأسرار الأثرية لشرح الدرّة المضیة في عقد الفرقة المرضیة، دمشق: مؤسسة الخافقين و مكتبتها، ١٤٠٢ ق.
١٨. سيوطی، جلال الدين، جامع الاحاديث، بی جا، بی تا.
١٩. طبرانی، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، محقق حمدي بن عبدالمجيد، القاهرة: مكتبة ابن تيميه، ١٤١٥ ق.
٢٠. طبرانی، سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، القاهرة: دار الحرمين، بی تا.
٢١. العباد، عبدالمحسن بن حمد، «عقدة اهل السنة والأثر في المهدي المنتظر»، مجلة الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، ١٣٨٨ ق.
٢٢. قسطلاني، احمد بن محمد، ارشاد الساري لشرح صحيح البخاري، مصر: المطبعة الكبرى الأميرية، ١٣٢٣ ق.
٢٣. كتاني، محمد بن ابي الفيض، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، مصر: دار الكتب السلفية، بی تاني.
٢٤. كحلاني، محمد بن اسماعيل، التنوير شرح الجامع الصغير، محقق د. محمد اسحاق محمد، الرياض: مكتبة دار السلام، ١٤٣٢ ق.
٢٥. كوراني، احمد بن اسماعيل، الكوثر الجارى الى رياض احاديث البخاري، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٩ ق.

۲۶. كشميري، محمد انور شاه، فيض الباري على صحيح البخاري، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۶ ق.
۲۷. مباركفوري، محمد بن عبدالرحمن، تحفة الاحوزي بشرح جامع الترمذي، بيروت: دارالكتب العلمية، بي.تا.
۲۸. ملاعلي القاري، علي بن سلطان، مرقة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۲ ق.
۲۹. مناوي، عبدالرؤوف بن تاج العارفين، فيض القدير شرح الجامع الصغير، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ ق.
۳۰. الميرتهي، محمد بدر عالم، البدر الساري الى فيض الباري، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۲۶ ق.
۳۱. نيسابوري، الحاكم محمد بن عبدالله، المستدرک علي الصحيحين، تحقيق مصطفى عبدالقادر، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۱ ق.
۳۲. نيسابوري، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، محقق: فؤاد عبدالباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي.تا.
۳۳. هروي شافعي، محمد الأمين بن عبدالله، الكوكب الوهاج والروض البهاج في شرح صحيح مسلم بن الحجاج، بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۳۰ ق.
۳۴. هيثمي، نورالدين علي، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، محقق حسام الدين، قاهره: مكتبة القدسي، ۱۴۱۴ ق.